

قاضی

نجفی: قتل عمد را قبول ندارم؛ احتمالاً تیر خورده است

بخش اجتماعی– دومین جلسه محاکمه نجفی شهردار اسبق تهران به اتهام قتل میترا استاد همسر دوم خود در حالی آغاز شد که فرزند مقتول در این جلسه در دادگاه حضور داشت. در این جلسه دو تن از وکلای نجفی او را همراهی می‌کنند و علیزاده طباطبایی به خاطر عزل از وکالت در این جلسه حضور ندارد.

قاضی: رسانه‌ها مطالب خلاف عفت عمومی را منعکس نکنند

به گزارش تسنیم، قاضی کشکولی با بیان اینکه جلسه دادگاه با مجوز ریاست قوه قضائیه به صورت علنی برگزار می‌شود، از رسانه‌ها خواست در انتشار مطالب خلاف عفت عمومی از جلسه دادگاه خودداری کنند. سپس قاضی کشکولی از وکلای اولیای دم خواست تا در صورت ارائه مطلب، در جایگاه حاضر شوند که حاجیلویی یکی از وکلای اولیای دم با حضور در جایگاه گفت: در جلسه نخست، مواردی در این پرونده به عنوان حواشی روی داد که شما (قاضی کشکولی) دستور دادید حواشی ذکر نشود، اما بعد از جلسه مطالبی با عنوان مهندس‌الدم، تیترو روزنامه‌ها شد که به ابروی خانوادهٔ و اولیای دم خدشه وارد کرد. وی افزود: من و همکارم با مطالعه پرونده، دفاعیات ناوچاندرمانه متهم را ملاحظه کردیم و در اینجا به ذکر مطالبی می‌پردازم.

آقای نجفی؛ حق طلاق با شما بود، چرا از میترا جدا نشدید؟

حاجیلویی ادامه داد:متهم (محمدعلی نجفی) گفته بود که مقتوله وارد زندگی او شده و از اشتباه با وی پشیمان است، البته ما می‌دانیم آقای نجفی در دفترمشهر کرچ چه هزینه‌های را برای ثبت ازدواج انجام داده است. وی افزود:آقای نجفی می‌گفت اشتباه کرده که مقتول را طلاق نداده، چرا این سخن را می‌گوید در صورتی که حق طلاق با مرد است، حاجیلویی خطاب به محمدعلی نجفی، گفت: شما نوک مداد را نشکستید، یک زن مسلمان را به قتل رساندید، اینجا صحنه سیاست نیست که با هر اشتباه عنبرخواهی کرده و کنار بکشید، شما مرتکب قتل عمدی شدید و باید پاسخگو باشید، شما گفتید ایشان (مقتول) پرستو بوده و با نهادهای امنیتی کار می‌کرده است. در این حین قاضی محمدی کشکولی با تذکر به وکیل، از وی خواست برخلاف نزاکت صحبت نکند و گفت: قواعد دادگاه باید رعایت شود.

اولیای دم می‌دانند میترا قرار بود چه مسائلی را به خبرنگار بگوید

سپس حاجیلویی به ادامه سخنانش پرداخت و افزود: شما (آقای نجفی) ۴۰ سال در سیاست بودید، اولیای دم می‌دانستند که میترا استاد چه مسائلی را می‌خواهد به خبرنگار بگوید اما ما نمی‌توانیم این حرف‌ها را بزنیم، می‌دانیم که این حرف‌ها را وکیل آقای نجفی به او آموزش داده است. وکیل اولیای دم خطاب به محمدعلی نجفی گفت: شما یکبار گفتید خانم استاد مهندس‌الدم است و بعد حرفتان را پس گرفتید، این دفاع قابل جمع نیست که یکبار بگویید مهندس‌الدم بوده و یکبار بگویید قصد کشتن را ندارم، یک بار برای همیشه اعتراف کنید که مرتکب قتل عمدی شدید و تقاضای بخشش کنید. در این حین قاضی کشکولی مجدداً به وکیل اولیای دم تذکر داد در چارچوب دلایل اتهام به ایراد سخنانش بپردازد که حاجیلویی افزود: باید حرف اولیای دم را بزنم، آنها حالشان بد است، گلابه‌منم هستند که چرا یکبار به مهیار سر زدنم، مهیار مادر خود را در آن حال در حمام دیده، چگونه باید به زندگی خود ادامه دهد، آقای نجفی لکسوز خود را فروخته، پول را در حساب ریخته‌اند اما پول از حساب خالی شد تا پولی به اولیای‌دم مقتول نرسد، اجازه می‌دانند حداقل پولی به آنها برسد تا با استفاده از روانشناسی آنها التیام پیدا کند.

پس از پایان صحبت‌های حاجیلویی، قاضی کشکولی اعلام کرد که آقای نجفی روز گذشته آقای علیزاده طباطبایی؛ یکی از وکلای خود را عزل کرده است و به همین دلیل آقای علیزاده در جلسه دادگاه حضور ندارند. قاضی کشکولی از رسانه‌ها خواست عسکی از مهیار صفری؛ فرزند مقتول گرفته و منتشر نشود. متذکر شد این تقاضای آقای صفری است که عسکی از او گرفته نشود؛ این کار برخلاف اخلاق و شأن خبری است و قانون نیز این اجازه را نمی‌دهد.

پیتر اسپر استاد: نجفی بارها مادرم را تهدید به قتل کرده بود

مهیار صفری فرزند میترا استاد و اولیای‌دمی در پرونده قتل عمد همسر دوم شهردار اسبق تهران با اجازه قاضی کشکولی رئیس شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران برای ارائه توضیحات در جایگاه قرارگرفت و قاضی بار دیگر از عکاسان خواست از وی عکس نگیرند. صفری خود را متولد ۱۱ شهریور سال ۸۲، فرزند جهانشاه صفری و دارای تحصیلات سیکل عنوان کرد و خطاب به دادگاه گفت: تقاضای قصد کشتن را ندارم، می‌دانم مادرم را دارم. در ادامه رئیس دادگاه از وی خواست مشاهدات خود را از نحوه به قتل رسیدن به زمان خروج و ورود خود را به منزل اعلام کند که مهیار صفری گفت: ساعت ۵ صبح از منزل خارج شدم و حدود ساعت ۱۲ ظهر به خانه برگشتم که دیدم دو نفر غریبه داخل ساختمان هستند. ابتدا فکر کردم واحد را اشتباه آمده‌ام اما دیدم که اشتباه کرده‌ام و به کمک آقای آقاژاده (راننده خودرو محمدعلی نجفی) وارد حمام شدم و مادرم را داخل حمام دیدم.

رئیس دادگاه از مهیار صفری خواست مشاهدات خود را از صحنه قتل بیان کند که وی قادر به توصیف صحنه نبود و قاضی سول دیگری را مطرح کرد. قاضی کشکولی از فرزند میترا استاد پرسید که آیا مادرش و آقای نجفی با هم اختلاف داشتند یا خیر، که مهیار صفری پاسخ داد: کم و بیش اختلاف داشتند. حتی نجفی چند بار مادرم را با اسلحه تهدید کرده و گفته که تا آنکه من این اسلحه می‌کنم.

قاضی پرسید این اتفاق چه زمانی رخ داد؟

مهیار صفری گفت: حدود دو روز قبل از حادثه اتفاق افتاد.

رئیس دادگاه از فرزند میترا استاد سوال کرد آیا شما اسلحه را دیده بودی یا خیر؟

مهیار صفری گفت: ندیده بودم.

قاضی پرسید پس شما چگونه متوجه وجود اسلحه شدید؟

مهیار صفری پاسخ داد: آقای نجفی به ما گفته بود که اسلحه را در منزل همسر اولش نگه می‌دارد.

قاضی از فرزند میترا استاد سوال کرد: مستند و دلایل شما برای این اظهارات چیست؟

مهیار صفری گفت: خود آقای نجفی ذکر کرده بود.

قاضی خطاب به مهیار صفری گفت: چه ضرورتی داشت که نجفی چنین چیزی را بگوید که متهم پاسخی به این سوال نداد.

قاضی از مهیار صفری سوال کرد: آیا در روز حادثه امتحان داشتی؟

فرزند میترا استاد پاسخ داد: در امتحان ریاضی داشتم و حدود ساعت ۸:۳۰ صبح بیان ساعت ۵:۰۵ دقیقه از خانه خارج شدم.

وی در پاسخ به این سوال که چه کسی تو را از خواب بیدار کرد گفت: آقای نجفی مرا از خواب مرا بیدار کرد و از حتی چند دقیقه از منزل بیرون کرده است گفت: اصلاً چنین چیزی نیست و مادرم با من دعوا نداشت و کاملاً با من خوب بود.

در ادامه این جلسه قاضی از جهانشاه صفری ولی قهری (پدر) مهیار صفری خواست تا در جایگاه حاضر شود.

ولی قهری مهیار صفری در پاسخ به سوال دادگاه مبنی بر اینکه به عنوان ولی قهری مهیار آیا مطلبی دارید یا خیر، گفت: براساس چیزی که از خود مهیار شنیدم می‌خواهم که عدالت برقرار و قصاص انجام شود.

وی اسلحه از وی سوال کرد و اینکه بپرسم تقاضای قصاص دارد من از طرف وی تقاضای قصاص دارم.

محمدعلی نجفی در ادامه جلسه رسیدگی به پرونده قتل عمد میترا استاد با اجازه قاضی کشکولی رئیس شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران برای ارائه دفاعیات در جایگاه قرار گرفت.

نجفی: بخشی از کیفرخواست نادرست است

به هیچ‌وجه قتل عمد را قبول ندارم

رئیس دادگاه در ابتدا اتهامات نجفی ناتر بر قتل عمد میترا استاد ۲۶ ساله، حمل و نگهداری غیرمجاز سلاح و مهمات مربوطه و ایراد جنایات عمدی غیرمتمنّهی به فوت به واسطه شلیک گلوله به کف دست چپ مقتوله را عنوان کرد و خطاب به متهم گفت: آیا اتهامات خود را قبول دارید؟

نجفی در ابتدا با قرائت آیهای از قرآن کریم گفت: آنچه اتفاق افتاده را قبول دارم اما اتهام قتل عمد را به هیچ عنوان قبول ندارم و از این حادثه دردناک و جانسوز بسیار متأسف هستم و مجدداً به خانواده محترم استاد تسلیت می‌گویم و امیدوارم خداوند به آنها بیامد.

وی افزود: نجفی برای روشن‌تر شدن قضیه و تبیین واقعیات و قضاوت در پروتو آگاهی بیشتر و صدور حکم بر اساس شرع و قانون است و هدفم از بیان این مسائل فقط روشن شدن بیشتر است چون تا حدودی خودم را در این حادثه مقصر می‌دانم و به هیچ عنوان قصد برائت

{اجتماعی}

گزارش دادگاه قتل میترا استاد

نجفی: قتل عمد را قبول ندارم؛ احتمالاً تیر غیر مستقیم به میترا خورده است

فرد نمی‌تواند جایگزین قتل مرحومه باشد و در موازین اسلامی ما نیز درباره فرهنگ گذشت صحبت شده است. قاضی در ادامه خطاب به نجفی گفت: شما در نیروی انتظامی و دادسرا اظهارات زیادی در خصوص قتل و نگهداری سلاح و استفاده از آن و دستنوشته‌هایتان دارید آیا این اظهارات را قبول دارید؟

مصاحبه با صداسویمیا در روز قتل، به خاطر شایعه فرار به خارج از کشور بود
وی پاسخ داد: کدام اظهارات را می‌گویید؟ زیرا روز اول و دوم واقعا تسلط به خود نداشتم و مرتب با خود کلنجار می‌رفتم که آنچه اتفاق افتاده برای خودم تجزیه و تحلیل کنم و حتی همان شبی که در آگاهی بودم از من خواستند با صدا و سیما مصاحبه کنم اما گفتم که نمی‌توانم و آنها پاسخ دادند که شایعه شده که شما به خارج از کشور فرار کردی و من با آنها صحبت کردم. وزیر پیشین آموزش و پرورش به اظهارات وکیل اولیای دم مبنی بر اینکه که وی مقتوله را مهندس‌الدم شناخته است گفت: برخلاف آنچه وکیل اولیای دم گفته است بارها گفتم که اصلاً چنین چیزی نیست و بارها از من سوال شد و من هم پاسخ دادم که حتی اگر معتقد به مهندس‌الدم بودن هم باشم دلیل نمی‌شود خودم حکم قتل را اجرا کنم.

ادعای درباره پرستو بودن میترا نداشتیم

وی همچنین درباره ادعای دیگر وکیل اولیای دم مبنی بر اینکه نجفی مقتوله را پرستو می‌دانسته گفت: در هیچ جا و هیچ زمانی اصلاً لفظ پرستو بر کار نبردم و در فضای مجازی برخی افراد این موضوع را نوشتند که باید از خود آنها سوال کنید.

ادعای وکیل خانواده میترا درباره برداشتن پول از حساب صحت ندارد

نجفی افزود: وکیل اولیای دم در اظهارات خود گفت من ماشینم را فروختم و پول آن را از حساب برداشتم تا خانواده استاد نتوانند از آن استفاده کنند در حالی که اصلاً چنین چیزی صحت ندارد زیرا من از ۷ خرداد در بازداشت هستم و بیرون نرفتم تا بتوانم پولی را خارج کنم. بابت رهن منزلی که برای مرحومه گرفته بودم بدهی داشتم که ماشین خود را به قیمت ۲۰۰ میلیون تومان فروختم و بخشی از بدهی را اادم و بخش دیگر نیز داخل حساب بانکی گذاشتم تا شاید بتوانیم با جمع کردن پولهای خود و قرض گرفتن از دوستان و آشنایان خانهای که مد نظر مرحومه بود خریداری کنیم. اما باز هم پولمان نمی‌رسید.

لوله اسلحه به سمت بالا بود ولی نمی‌دانم چرا تیر به میترا خورد

نجفی گفت: آنچه می‌گویم برای تیره خودم نیست و حتی از روز اول به دنبال قصاص خودم بودم تا احساس بد وجدانی که در خودم وجود داشت تخلیه شود. بنابراین این اظهارات را به هیچ وجه برای برائت خودم نمی‌گویم و واقعا بدون قصد به سوی مرحومه رفتم و قرائن برای این وجود دارد و چون لوله اسلحه به سمت بالا گرفته بودم و چون در تلفن گفتیم که وی خودم و حتی تا زمانی که در آگاهی حضور یافتم نمی‌دانستم که به دست مرحومه تیر خورده است. در ادامه قاضی دادگاه بخشی از اظهارات نجفی در مرحله بازجویی را قرائت کرد و گفت: شما در بازجویی گفته‌اید که خشاب از قبل در سلاح بود ولی اسلحه، مسلح نبود و روی ضامن قرار داشت و وقتی طرف حمام رفتم آن را مسلح کردم، آیا این اظهارات را قبول دارید؟ نجفی گفت: نه، قبول ندارم واقعا آن موقع نمی‌دانستم چه شده و چه کار کردم و هر چه فکر می‌کردم در فاصله‌ای بی رفتن از اتاق خواب به سمت حمام غیر از برداشتن بالش کار دیگری انجام ندمم و سلاح را قبل مسلح بود.

وی در پاسخ به این سوال که فرزند میترا استاد چه ساعتی از منزل خارج شد گفت: ژانرس را برای ساعت ۹ صبح زوررو کرده بودیم و فکر می‌کردم حدود ساعت ۹ و ۵ دقیقه مهیار از منزل خارج شد تا به مدرسه برود و این اتفاق هم حدود ساعت ۹:۳۰ صبح افتاد.

قاضی: نامه‌ای که مدعی هستید بعد از قتل نوشته‌اید، منظم و دسته‌بندی

شده است؛ نجفی: ذهن دسته‌بندی شده‌ای دارم

وی در پاسخ به سوال دیگر قاضی مبنی بر اینکه آیا نامه را قبل از وقوع قتل نوشتید زیرا از نظر متوایر بار حقوقی دارد و دارای دسته‌بندی است نمی‌دانم مطلبی که نوشتم بار حقوقی دارد یا این نامه را بعد از قتل نوشتم و حتی حدود ۲۰ دقیقه بعد از این اتفاق نمی‌دانستم چه کار کردم و قدم می‌زدم به بالکن می‌رفتم و نمی‌دانستم چه شده است. آن نامه را در این شرایط و با سرعت نوشتم و از خط نامه نیز سرعت در نگارش سخنم است و به هر حال ذهن دسته‌بندی شده دارم کما اینکه نامه‌ای که به سازمان بازرسی نوشتم را هم می‌توانید نگاه کنید بنابراین این با قصد و غرض حقوقی نامه را نوشتم، نامه را با سرعت نوشتم و وقتی راننده رسید نامه تمام شده بود و برای همین از او خواست که در ماشین منتظر بماند.

نجفی گفت: نگارش نامه حدود ۲۵ تا ۳۰ دقیقه زمان برد و حتی وقتی نامه تمام شده بود باز هم چیزهایی که من اضافه کردم که می‌توانید در خط آخر نامه ببینید.

در ادامه قاضی کشکولی به وجود یک دستنوشته بر روی میز ناهارخوری نجفی اشاره کرد که شهردار اسبق تهران گفت: بله، این دستنوشته که حدود ۲ پرگه است من نوشتم.

در این هنگام قاضی کشکولی دستنوشته موجود را به رویت نجفی رساند که او پاسخ داد: این دستنوشته متشکلی است که من روزی یک دست نوشته بودم به تاریخ ۱۷ اسفند سال ۹۷ و مطالبی که روی آن نوشته شده مطالبی است که در یک دعوی تلفنی مرحومه به من گفته است و چون مرحومه همیشه صدای مرا ضبط می‌کرد من آن روز مطالبی را که به من می‌گفت یادداشت می‌کردم تا بعداً اگر منظره و دعوی دیگری پیش آید آن را یادآوری کنم.

در ادامه قاضی کشکولی گفت: آن نامه‌ای که می‌گویید روی میز ناهارخوری بود درست است

و اکنون در پرونده موجود است. رئیس دادگاه همچنین به گزارش پلیس ۱۱۰ در تاریخ ۱۶ خرداد ۹۷ و مراجعه به منزل نجفی اشاره کرد که نجفی پاسخ داد: در طول دو الی سه بار در درگیریهایی که با هم داشتیم موضوع قتل حادث شد و در یک مرتبه که مرحومه دست موضوع را برهنه بود اما من مسلح بودم به او اورتاس زنگ زدم و چون در تلفن گفتیم که موضوع خودزنی است خود اوورتاس پلیس ۱۱۰ را خبر کرد و این مسئله مربوط به آن زمان است.

وقته جلسه فیلم دوربین‌های مانرستانه از زمان خروج نجفی از منزل نشان داده شد و قاضی ۱۵ دقیقه پیش از اعلام کرد. در ادامه قاضی کشکولی از محمدعلی نجفی پس از مشاهده فیلم پرسید که آیا صحت این فیلم‌ها را می‌کنید که نجفی با تأیید صحت فیلم‌ها گفت: بنده پس از ماجرا در پارکینگ پیاده شدم و قصد داشتم در خیابان ایران زمین کمی قدم بزنم.

برای تصمیم گیری‌های خاص به قم می‌رفتم

قاضی کشکولی از نجفی پرسید که با چه وسیله و هدفی به قم رفیتید، که وی گفت: بنده زمانی که در حالت‌های خاص روحی قرار می‌گرفتم با در زمان اتخاذ تصمیمات مهم به قم می‌رفتم و پیش از این نیز سابقه داشتم. آن روز نیز به قم رفتم تا حلالیت طلبیده و سپس تصمیم بگیرم. شورایعالی امنیت تصمیم‌گیری شد مسئولاتی که در معرض ترور هستند مسلح باشند. هر کدام یک قبضه سلاح کم‌ری داده شد که من هم یکی از آنها بودم.

وی افزود: یک کلت برتا داندن و من اولین آن را همراه خود می‌بردم اما بعد که فضای کشور آرام شد هیچ وقت اسلحه همراهم نبود؛ در اسلحه همراهم بود که کسی سوالی درباره آن می‌کرد و تا جایی که می‌دانم به صورت نزدیک توسط جراست دستگاه با تأکید محافظان کارت حمل سلاح تمدید می‌شد و من فکر کردم تمدیدها ۱۰ ساله است و آخرین بار توسط جراست ریاست جمهوری یا مسئول تیم حفاظت کارت حمل سلاح تمدید شد.

وی گفت: چون هیچ وقت سلاح را همراه خود نمی‌بردم کارت آن هم همراهم نبود و بارها می‌خواستیم اسلحه را برگردانم زیرا به یاد رفتم که اسلحه را بردارم و خشاب را خارج کنم.

شهردار اسبق تهران گفت: امیدوارم این اظهارات از گمانه‌زنی در فضای مجازی و غیرمجازی حتی توسط مسئولان، کابحد و امیدوارم خداوند با لطف به من و آن مرحومه نگاه کند و از گناهان هر دوی ما بگذرد. و این شرایط ممکن است برای هر کسی پیش بیاید همانطور که برای من پیش آمد و روزگار من آن مرحومه و خانواده من را درگرو کرد.

در ادامه قاضی کشکولی گفت: با توجه به دفاعیات آقای نجفی از اولیای دم و وکلای ایشان در راستای وظیفه دادگاه می‌خواهم که از قصاص گذشت کنند زیرا باعث می‌شود آلام و آثار اجتماعی جرائمی که مهم هستند و زندگی را درگرو کند می‌کنند کاهش یابد و وظیفه دادگاه

است که از اولیای دم و وکلای آنها تقاضای سازش و گذشت داشته باشد زیرا قصاص یک

که اسناد کم نشود، سپس از وی خواستم پایین برود و مجدداً با او تماس بگیرم.

نامه‌ای که نوشتم عجولانه و غیردقیق بود

وی افزود: به نظرم رسید که متنی را بنویسم و داستان زندگی مشترک را بگویم، تقریباً شش ماه ازنباط خاصی با خانواده نداشتیم، آنچه نوشتم با عجله و به صورت غیردقیق بود، من عنوان مهندس‌الدم را اصلا در دفاعیات مطرح نکردم حتی آقای بازرس می‌خواست در ذهن من بیندازد که آیا معتقد هستی میترا مهندس‌الدم بوده که من چنین چیزی در دفاعیات نگفتم.

متهم پرونده قتل میترا استاد ادامه داد: در نهایت پس از نوشتن نامه، آن را داخل کیف گذاشتم و می‌خواستم حتی راننده آن را ببینند، پس از رفتن راننده تنها راه به نظرم آمد که به قم و زیارت حضرت معصومه (س) و بر سر قبر پدرم بروم. پیش از این وقتی ناراحتی برابم پیش می‌آمد، این کار را انجام می‌دادم و گشتم بعد از زیارت دربار معرفی خود به پلیس تصمیم بگیرم، اسلحه را نیز با خود بردم که کم نشود و مسئله‌ای پیش نیاید. وی افزود: البته تصمیم نیز داشتم که بر سر مزار پدرم خودکشی کنم، برای برداشتن کارت حمل سلاح از داخل کمد اقدام کردم و



پیش خود گفتم اگر کسی گفت چرا اسلحه حمل می‌کنی، مجوز حمل سلاح را به وی نشان دهم که آنجا متوجه شدم اعتبار حمل سلاح تا سال ۹۴ بوده است. نجفی ادامه داد: با رفتن به رتیمال بهتقی به قم رفتم و پس از آن نیز تصمیم گرفتم که خود را به پلیس تحویل دهم، پس از بازگشت از قم با یک تاکسی به سمت پلیس آگاهی در خیابان شاهپور رفتم، پس از قتل تلفن همراه را همراه خود نبردم چون فکر می‌کردم در صورت خودکشی، شاید وجود تلفن بعدا دردرساز شود، با تلفن راننده با دخترم تماس گرفتم و می‌خواستم دلشوره آنها از بین برود؛ زیرا در رادیو مطالبی گفته می‌شد که راجع به من بود. وی افزود: در پلیس آگاهی یکی، دو ساعت بدون لباس بازداشتگاه صحبت کردم و با ریاست آگاهی نیز حرف‌هایی زدم، بعد از افطار لباس بازداشتگاه را پوشیدم و سایر اقدامات صورت گرفت.

به من می‌گفتند چرا شخص دیگری را به عنوان قاتل معرفی نکردی

نجفی با بیان اینکه به هیچ عنوان قصد قتل نداشتم، گفت: البته قبول کرده که با برداشتن اسلحه اشتباه کردم، ۵ گلوله شلیک شد اگر قصد قتل داشتم شلیک یک گلوله کافی بود، ۴ گلوله حداقل به سقف خورد، من از قبل انقلاب با اسلحه آشنایی داشتم و در زمان شهید چمران کلاس آشنایی با اسلحه اموخته بودم. شلیک‌ها غیرارادی بود.

وی ادامه داد: در برخی رسانه‌ها عنوان شد که همسر با شلیک ۵ گلوله کشته شده، خیر اینگونه نبود حتی محل اصابت گلوله به وی نشان می‌دهد که مستقیم نبوده است.

نجفی به مطالب مطرح شده در فضای مجازی نیز اشاره کرد و گفت: در فضای مجازی به طنز عنوان شد و برخی نیز به صورت جدی نوشتند. حتی سه نفر نیز در بازداشتگاه به من گفتند که شما چرا کتک را به دیگرنان سربردید یا فرمول دیگری پیدا نکردید. کم گفتم من نمی‌خواستم او را کتک بزنم و قصد قتل نداشتم.

عصر روز قبل از قتل، مشغول پاسخ به نامه سازمان بازرسی درباره صندوق ذخیره فرهنگیان بودم

محمدعلی نجفی در ادامه ارائهٔ دفاعیات خود در دومین جلسه محاکمه به نوشتن پاسخ استعمال سازمان بازرسی در خصوص تأسیس صندوق ذخیره اشاره کرد و گفت: من عصر روز قبل از حادثه دو ساعت و نیم وقت گذاشتم و پاسخ سازمان بازرسی درباره صندوق ذخیره فرهنگیان را تهیه کردم که اکنون نزد نماینده دادستان است و وقتی مأموران روز حادثه به منزل ما آمدند بودند آن را پیدا کردند. بنابر این اگر قصد می‌داشتیم نمی‌نشتیم پاسخ سازمان بازرسی

را بنویسم. وی ادامه داد: حتی چند روز قبل برای خریدن منزل جدید درباره جمع کردن پولها و گرفتن وام با دو تن از دوستان صحبت کردیم و چند روز قبل از آن نیز به اخوی خود زنگ زدم و گفتم زندگی ما خوب است، نگران نباشید بنابر این قصد قتل نداشتم اما اختلافات ما به جایی رسیده بود که به این نتیجه رسیدم که باید جدا شویم.

جزو کسانی بودم که سال ۶۰ به علت احتمال ترور شدن

اسلحه در یافت کرده بودم

شهردار اسبق تهران در ادامه به نحوه داشتن اسلحه اشاره کرد و گفت: در سال ۶۰ ترورهای کور خیابانی منتقلین، گروهک قرافان و … زیاد شده بود.اولین تیر یا اواخر خرداد زمانی که ترور مرحوم شهید رجایی و شهید باهنر بود. من وزیر فرهنگ و آموزش عالی شدم و آن زمان در شورایعالی امنیت تصمیم‌گیری شد مسئولاتی که در معرض ترور هستند مسلح باشند. هر کدام یک قبضه سلاح کم‌ری داده شد که من هم یکی از آنها بودم.

وی افزود: یک کلت برتا داندن و من اولین آن را همراه خود می‌بردم اما بعد که فضای کشور آرام شد هیچ وقت اسلحه همراهم نبود؛ در اسلحه همراهم بود که کسی سوالی درباره آن می‌کرد و تا جایی که می‌دانم به صورت نزدیک توسط جراست دستگاه با تأکید محافظان کارت حمل سلاح تمدید می‌شد و من فکر کردم تمدیدها ۱۰ ساله است و آخرین بار توسط جراست ریاست جمهوری یا مسئول تیم حفاظت کارت حمل سلاح تمدید شد.

وی گفت: چون هیچ وقت سلاح را همراه خود نمی‌بردم کارت آن هم همراهم نبود و بارها می‌خواستیم اسلحه را برگردانم زیرا به یاد رفتم که اسلحه را بردارم و خشاب را خارج کنم. ششمره جدید تولید کرده بود و رنگ طلایی داشت و به هرکدام از وزرا یک قبضه از این اسلحه داندن. دو الی سه ماه این اسلحه را نگه داشتم و بعد از آن همراه خود تحویل تیم حفاظت دادم تا برگردانم اما سرتیم گفت این را نگه دارید زیرا زحمتی برای شما ندارد. بنابر این کارت حمل سلاح را از روی قصور سربردم و فکر می‌کردم که تمدید آن ۱۰ ساله است. وی ادامه داد: این اسلحه را در منزل قبلی که با همسر اولم بودم در جایی پنهان کرده بودم تا کسی نبیند و البته می‌دانستند من سلاح دارم و بعد که به منزل جدیدی که برای من خریدم آمدم، اسلحه را از منزل قبلی بردم و داخل همانجا پنهان کردم. من با همسر اولم بودم تا زمانی که اسلحه‌ها را چمدان لایسه‌ای تابستانی که استفاده

نمی‌کردم گذاشتم و حتی مرحومه چند بار پرسید که اسلحه‌ها را آورد‌ای. من پاسخ مثبت دادم و از من خواست طرز کار با اسلحه را به او یاد بدهم که گفتم صلاح نیست و حتی به شوخی مرحومه مطرح کرد که اسلحه را بیابور تا خودمان را بکشیم و من هم گفتم پس اول مرا بکش و اگر دلت آمد خودت را بکنش.

نجفی افزود: دو شب قبل از حادثه که به تدریج داشتیم وسایل را می‌چیدیم نوبت دیدن لباسهایی که اسلحه داخل آن بود رسید. حین چیدن لباسها مرحومه اسلحه را که وسط لباسها بود و آن را به من داد که داخل کمد گذاشتم تا سر وقت در جایی پنهان کنم اما مرحومه گفت برویم شام بخوریم و حواسم پرت شد و یاد رفتم که اسلحه را بردارم و خشاب را خارج کنم.

و جای امن‌تری بگزاریم و روز حادثه وقتی پشت سر مرحومه با حالت خشم و عصبانیت رفتم چشمم به اسلحه افتاد و آن را برداشتم تا به او نشان بدهم که آن اتفاق به وجود آمد.

شهردار اسبق تهران گفت: امیدوارم این اظهارات از گمانه‌زنی در فضای مجازی و غیرمجازی حتی توسط مسئولان، کابحد و امیدوارم خداوند با لطف به من و آن مرحومه نگاه کند و از گناهان هر دوی ما بگذرد. و این شرایط ممکن است برای هر کسی پیش بیاید همانطور که برای من پیش آمد و روزگار من آن مرحومه و خانواده من را درگرو کرد.

در ادامه قاضی کشکولی گفت: با توجه به دفاعیات آقای نجفی از اولیای دم و وکلای ایشان در راستای وظیفه دادگاه می‌خواهم که از قصاص گذشت کنند زیرا باعث می‌شود آلام و آثار اجتماعی جرائمی که مهم هستند و زندگی را درگرو کند می‌کنند کاهش یابد و وظیفه دادگاه

است که از اولیای دم و وکلای آنها تقاضای سازش و گذشت داشته باشد زیرا قصاص یک